



دکتر مهدی یوسفی

پژوهشگر ارتباطات میان فرهنگی
مدیر و مدرس برنامه آموزش آنلاین ارتباطات میان فرهنگی
دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای

ایده‌ها

جان‌گیری ویروس و بحران رهبری جهان‌گیر

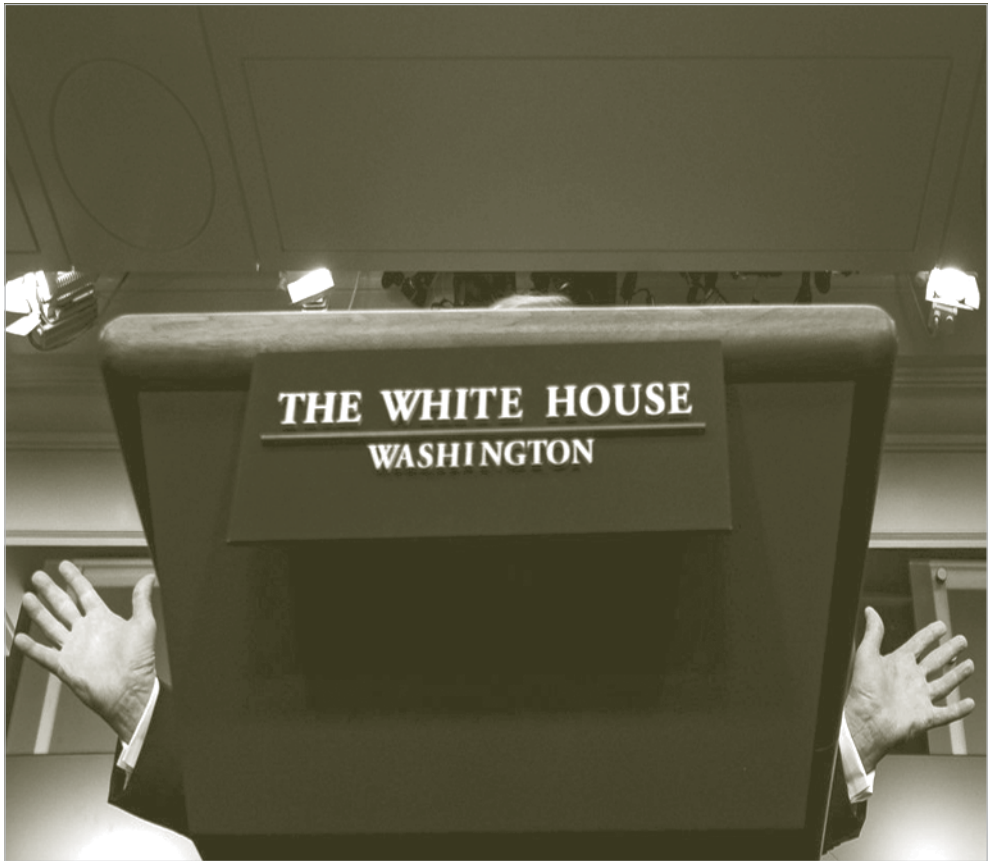
آیا چین جای ایالات متحده را خواهد گرفت؟

لوم بازشناسی غرب و تلنگری برای شناخت شرق

جان‌گیر کرونا، چشم‌اندازی برای بازشناسی غرب و تلنگری برای شناخت شرق است. «غرب» در معنای تمدنی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود، همواره مورد توجه سیاست‌مداران، پژوهش‌گران و سایر فعالان اجتماعی و سیاسی در ایران بوده اما صبغه فلسفی و نظری بر مطالعات غرب‌شناسی، غالب بوده است. هرچند این امر به خودی خود دارای اشکال نیست اما به حاشیه راندن نگاه‌ها و رویکردهای دیگر، مشکل ایجاد می‌کند. به نظرمی‌رسد در کنار این دست از فعالیت‌های نظری، توجه به واقعیت‌های کنونی جامعه غرب در ابعاد مختلف حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نیز لازم است. بخشی از دلایل عدم استفاده

انتشار گسترده ویروس فراسوی مرزهای چین در آسیا تا حدودی قابل پیش‌بینی بود، شیوع گسترده و آمار شوکه‌کننده مرگ‌ومیر در ایالات متحده و اروپا برای بسیاری از ما، غافلگیرکننده شد. آمریکا به قدری مصون از ویروس تصور می‌شد که در آستانه یورش دیگری به غرب آسیای درگیر با جان‌گیر، تصویر شد و شمارش معکوس در عراق آغاز گردید. چین - که نظام رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی آن کماکان تا حد زیادی در چارچوب تصویرسازی آمریکایی «چهار نظریه مطبوعات» (۱) درک می‌شود - آمار لحظه‌ای مبتلایان و جان‌گدشتگان را نه تنها به تفکیک استان و شهر، بلکه محله و ساختمان‌های مسکونی ارائه می‌کرد و موفقیت چشم‌گیرش در مهار جان‌گیر، آن را به متهم ردیف اول نظریه‌های توطئه تبدیل کرد.

جان‌گیر (pandemic) کووید-۱۹، هنوز چنان به ما نزدیک است که جایابی آن در بافتار گسترده‌تر زمانی و جغرافیایی و ارائه تصویری بزرگ‌تر دشوار می‌نماید. برای بسیاری از پژوهش‌گران نسل ما، این نخستین بار است که یک بیماری همه‌گیر، مرزها را در هم نوردیده و یک تهدید و چالش جدی برای بحث سلامتی، اقتصادی و سیاسی هم برای دولت - ملت‌ها و هم برای مردم است. آیا بحران جان‌گیر، موجب بازآرایی قدرت‌های جهانی خواهد شد؟ آیا چین، جای ایالات متحده را خواهد گرفت؟ آیا جهان پس از کووید-۱۹، به شکلی بنیادین با پیش از آن، متفاوت خواهد بود؟ به نظرمی‌رسد شیوع کرونا بیش از آن که جهان بیرونی را تحت تأثیر قرار داده باشد، تصویر ما از آن را متأثر کرده است؛ درحالی‌که

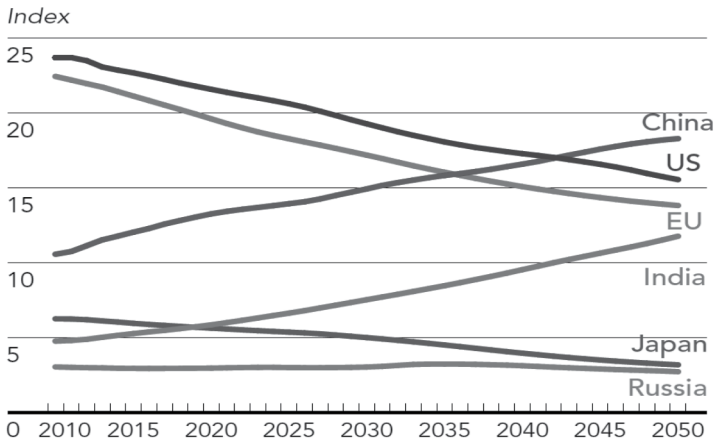


از مطالعات غرب‌شناسی در حوزه سیاست خارجی در ایران، به جنس این مطالعات برمی‌گردد که عمدتاً برابعد فلسفی و نظری متمرکز بوده است که ابعاد کاربردی‌تر را در درجه بعدی اهمیت قرار می‌دهند. در رابطه با آمریکا به‌طور خاص، شناسایی نقاط قوت (فراسوی تصویرهای اغراق‌آمیز و سوءگیرانه که معمولاً چندان از آن صحبت نمی‌شود) و ضعف و آینده‌شناسی میان‌مدت و درازمدت، اهمیت دوچندانی دارد.

شناخت شرق و به‌طور خاص چین نیز از این قاعده مستثنا نیست و حتی وضعیت بدتری نیز دارد؛ چه آن‌که از جنبه نظری و تمدنی نیز علاقه بسیار کمتری را جذب خود کرده است. شناخت از چین در ایران، عمدتاً به شناخت زبان و ادبیات چینی محدود می‌شود و معدود دانسته‌های ما نیز از مسیر آثار ترجمه‌شده از زبان انگلیسی - که عمدتاً روایت آمریکایی از چین را شامل می‌شود - حاصل شده است. ما بعد از سال‌ها،

همچنان در تلاش برای راه‌اندازی رشته مطالعات چین هستیم (۲) و گزارش‌های پژوهشی مراکز رسمی نظام، همچون مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، از ادبیات غالب آمریکایی‌ها در پرداختن به نظام سیاسی چین استفاده می‌کنند. هرچند در سال‌های اخیر، تجار و گردشگران چینی بیشتری وارد ایران شده‌اند، اما جابه‌جایی‌های انسانی میان دو کشور، کماکان در سطح پایینی قرار دارد. سوء برداشت‌ها و پیش‌داوری‌ها، کماکان عنصر

New Multi-Component Global Power Index Forecast



کنترل بیماری را عمدتاً به خلق و خو و ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ نسبت داد. البته تحسین اقدام‌های چین برایش دشوار بود و او کشورهای دیگری همچون کره جنوبی را به عنوان الگو معرفی کرد.

قدرت آسیا از آمریکا پیش می‌افتد

ظهور، بلوغ و افول قدرت‌ها، امری دائمی بوده است و قدرت‌ها همیشه در حال جابه‌جایی بوده‌اند، اما تصور آن‌که جان‌گیر کووید-۱۹، زمین بازی را تغییر داده یا خواهد داد، چندان با واقعیت‌های میدانی سازگار نیست؛ همان واقعیت‌هایی که نشان می‌دهد قدرت ایالات متحده، رو به افول بوده و قدرت چین، رو به دمیدن است.

گزارش شورای ملی اطلاعات ایالات متحده با عنوان روندهای جهانی ۲۰۳۰، دنیاهای جایگزین (۳) - که در سال ۲۰۱۳ منتشر شده

جلوه کردن همه چیز بود. در شهرها و استان‌های دیگر، به غیر از استان هوبی (کانون بیماری)، اوضاع بیش و کم مشابه بود. تدابیر سخت‌گیرانه و اقدام‌های سخت‌کوشانه پکن، باعث شد تا در حال حاضر، چین به لحاظ مجموع فوت‌شدگان بر اثر کووید-۱۹ و مبتلایان به نسبت جمعیت، در انتهای فهرست ۱۰ کشور نخست درگیر با جان‌گیر قرار داشته باشد؛ فهرستی که ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده در صدر آن قرار دارند. این تغییر وضعیت در طی چند ماه، بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران را متحیر ساخته بود. به عنوان مثال، ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی که در روزهای ابتدایی بحران، چین و جهانی‌سازی مبتنی بر چین را در صفحه شخصی خود در توئیتر به سخره گرفته بود، به سرعت تغییر نظر داده و ناکامی‌های ایالات متحده در

اصولی برداشت ما از چین را شکل می‌دهد. در چنین وضعیتی، جان‌گیر کووید-۱۹ در وهله نخست، توجه ما را به چین بیش از گذشته جلب می‌کند. به راستی در چند ماه گذشته، در چین چه گذشت؟

ووهان در اوج بحران، اما همه چیز عادی بیان می‌شد

در حالی که مردم چین خود را برای جشن‌های آغاز سال نو آماده می‌کردند، اخبار جسته‌وگریخته‌ای از شیوع بیماری در ووهان به گوش می‌رسید. بنده در شهر شانگهای، شاهد ترس و اضطراب میان جمعیت حدود ۱۷۵ هزار نفری خارجی‌های ساکن شانگهای بودم که به دنبال خرید بلیت پرواز و خروج از چین بودند؛ اما هر چه زمان می‌گذشت، بحران کم‌تر احساس می‌شد. در ایام اوج بحران، آنچه بیش از همه غیرعادی به نظر می‌رسید، عادی

است - پیش بینی می کند که تا سال ۲۰۳۰، آسیا از جهت قدرت جهانی (تولید ناخالص ملی، جمعیت، هزینه های نظامی و سرمایه گذاری فن آوری) از جمع آمریکای شمالی و اروپا پیش بزند و چین به تنهایی، بزرگ ترین اقتصاد دنیا را داشته باشد. رشد ۶/۱ درصدی اقتصاد چین در سال ۲۰۱۹، آخرین آماری است که مطابق با پیش بینی ها و انتظارات، در این چارچوب بوده است. ارزیابی تبعات اقتصادی بحران جان گیر، به بحث مستقلى نیاز دارد اما بسیار ساده انگارانه خواهد بود که تصور کنیم، تجارت ماسک، لوازم طبی و بهداشتی - که در بهترین حالت، رقمی زیر ده میلیارد دلار را شامل می شود - تغییر دهنده بازی اقتصادی به نفع پکن باشد؛ بگذریم از آن که این محصولات، اساساً ارزش افزوده بالایی ندارند. کووید-۱۹ چالش ها و فرصت های یکسانی را برای دو اقتصاد بزرگ دنیا، به وجود آورده است.

سؤال اساسی این است که آیا چین، اساساً به دنبال دست یافتن بر جایگاه ایالات متحده است؟ آیا در دهه های پیش رو، دیگر شاهد حضور قدرت های مسلط نخواهیم بود و قدرت به شبکه ها و ائتلاف ها در جهانی چندقطبی منتقل خواهد شد؟ به نظر می رسد، تمرکز پکن بر حفظ سرعت رشد اقتصادی خود، در چارچوب نظم موجود است. نگاهی به برنامه بلندپروازانه «یک

کمربند، یک جاده» - که چشم اندازی از برنامه جهانی چین به دست می دهد - نشان گر آن است که پکن با تمرکز بر کشورهای همسایه خود که عموماً کشورهای فراموش شده در سیاست خارجی ما بوده، در تلاش است تا بازارهای جدید برای محصولات تولیدی خود فتح کند؛ برنامه ای که برد-برد یا نبودن آن تا حد زیادی به عملکرد طرف مقابل وابسته است. بسیاری از ما چین را با دوره ای از فقر گسترده و اکنون، رشد اقتصادی چشم گیر به خاطر می آوریم، از این رو از طلوع و ظهور چین صحبت می کنیم؛ اما نباید فراموش کنیم که مؤلفه های قدرت چین، ریشه در تمدنی چندین هزارساله دارد که باز خیزش، تعبیر مناسب تری برای توصیف قدرت روزافزون چین است.

امریکا قدرتی بزرگ اما در حال افول

چه بسا جوزف نای در مقاله اخیر خود در فایننشیل تایمز، درست گفته است که چین در هیچ زمان نزدیکی از آمریکا پیش نخواهد افتاد (۴) اما تحلیل وی بسیاری از واقعیت ها را درباره چین نادیده گرفته و عمیقاً آمریکا محور است. اعتماد عمومی گسترده مردم چین به نظام حاکمیتی شان، بزرگ ترین سرمایه چین به حساب می آید؛ امری که در جریان بحران جان گیر دوچندان شد. به اصطلاح «قدرت

نرم» با تعبیری که نای از آن دارد، در سنخش و به حساب آوردن چنین مؤلفه هایی و به طور کلی عناصر مرتبط با فرهنگ، چندان توانمند نیست و از این رو است که چین، در رده ۲۷ قدرت نرم جهانی قرار می گیرد. نای، چین را کشوری درگیر با همسایگان خود تصور می کند، حال آنکه در اصل، ایالات متحده مایل ها فراتر از مرزهای خود، درگیر نزاع های بی پایان است. موقعیت ایالات متحده در رهبری جهانی تا حد زیادی به موفقیت آن در مدیریت بحران های بین المللی وابسته است. شکست ایالات متحده در مدیریت بحران، یک زنگ خطر جدی را برای نقش جهانی آمریکا، به صدا درآورد. واقعیتی که دوباره یادآوری می کند، آمریکا قدرتی بزرگ اما در حال افول است. یک عبارت مشهور انگلیسی می گوید: «زمان، قهرمان را می سازد» (man). جان گیر کرونا، زمان نمایش اقتدار و قدرت چین بود.

منابع

1. Siebert F, Siebert FT, Peterson TB, Peterson T, Schramm W. Four theories of the press: The authoritarian, libertarian, social responsibility, and Soviet communist concepts of what the press should be and do: University of Illinois press; 1956.
۲. تلاش برای راه اندازی رشته مطالعات چین در دانشگاه تهران: خبرگزاری ایسنا: Available from: <https://www.isna.ir/news/98032310405/>.
3. Council NI. Global trends 2030: Alternative worlds: Central Intelligence Agency; 2013.
4. Nye JSJFT. China Will not Surpass America Any Time Soon. 2019.